



سالشمار حوادث پانصد ساله نخستین تاریخ اسلام

ابوالفضل شکوری

در زمانهای پیشین، دانشمندان مسلمان در این

زمینه کارهای فراوانی انجام داده و به زبانهای متعلق به حوزه اسلامی مانند عربی، فارسی، ترکی و غیره تألیفات و آثار ارجداری را در ثبت و نگارش «سال به سال رویدادها» پدید آورده اند که مجموع آنها شایسته معرفی در یک مقاله و حتی در یک کتاب هستند. با این همه باید بپذیریم که «گاشماری تاریخی» در عصر ما از شکوفایی و تکامل چشمگیری بهره مند گردیده که در گذشته به این حد نبوده است. بنابراین ضرورت دارد که قلمداران و اندیشه وران مسلمان نیز علاوه بر مطالعه و ارزیابی تحلیلی تاریخ پر بار هزار و چهارصد ساله خود، برای پدید آوردن «گاشمارهای تاریخی» جامع و پیشرفته تر مربوط به جهان اسلام بکوشند.

* یک کتاب جدید سالشمار حوادث تاریخ اسلام:

از آخرین کتابهایی که در زمینه «گاشماری رویدادهای جهان اسلام» تألیف و منتشر شده، کتابی به نام «احداث التاریخ الاسلام بترتیب السنین» (یعنی

احداث التاریخ الاسلامی بترتیب السنین. عبدالسلام ترمانی. (سوریه، دارالطلاس). ج ۴، ۱۷۱۸+۱۵۸۹، وزیری.

سالشمار حوادث پانصد ساله نخستین
تاریخ اسلام

ثبت حوادث تاریخی به شیوه روز به روز، ماه به ماه و سال به سال، یکی از اسلوبهای ریشه دار و قدیمی تاریخ نویسی است که در فرهنگ تاریخنگاری مسلمین اصطلاحاً «حوالیات» نامیده می شد و امروزه آن را «کرنولوژی»، «وقایع نگاری»، «گاشماری» و «تقویم تاریخ» می نامند. در این شیوه از تاریخ نویسی، حوادث و رویدادهای تاریخی به ترتیب زمانی و به گونه پی در پی ثبت می شود و خواننده می تواند با مطالعه آن علاوه بر آگاهی از متن رویدادها و حوادث، پیوند علت و معلولی آنها را نیز به دست آورد و به ارزیابی و تحلیل و کشف فلسفه واقعی رخدادهای تاریخی توانا گردد.

رویدادهای سال به سال تاریخ اسلامی در چهار جلد می‌باشد که توسط دکتر عبدالسلام) ترمانینی از متولدین شهر حلب نگارش یافته است. این کتاب که توسط «دار طلاس» در سوریه با حروفچینی، کاغذ و جلد خوب به چاپ رسیده، ویژه سالشمار حوادث پانصد ساله نخستین اسلام است و از مزایای فراوانی بهره‌مند می‌باشد که سالشمارهای پیشین اسلامی فاقد آن هستند. برای آشنایی هر چه بیشتر خوانندگان محترم با این کتاب ارزشمند، اکنون در سه محور به معرفی آن پرداخته می‌شود و در پایان نیز گزیده‌ای از آن را در موضوع، «سالشمار نهضتها و انقلابهای جهان اسلام در پانصد سال نخستین»، در معرض بهره‌مندی خوانندگان قرار می‌دهیم.

الف - سبک تألیف کتاب و محتوای آن:

کتاب «احداث التاریخ الاسلامی» به لحاظ شیوه تألیف و محتوایش در نوع خود تازه و بدیع است. محتوای آن از سه قسمت جداگانه پدید آمده است که در تمام آن ادامه دارد. مجموع چهارجلدی کتاب به دو بخش جداگانه تقسیم شده است. دو مجلد نخستین سالشمار حوادث جهان اسلام از آغاز هجرت تا سال ۲۵۰ هجری است و دو مجلد بعدی آن نیز از سال ۲۵۱ هجری شروع شده و به سال ۵۰۰ هجری پایان یافته است. مؤلف، در بخش اول کتاب بعد از آنکه در ضمن یک «پیشگفتار» روش کار و منابع تحقیق تاریخی خود را معرفی کرده، هدف خود را از این کار تاریخی بیان کرده و گفته است که تاریخ را نباید به اخبار پادشاهان و

فرمانروایان و گزارش رخدادهای جنگی و نظامی منحصر ساخت؛ بلکه تاریخ، بویژه تاریخ اسلام، باید نشان دهنده جوانب و ژرفای زندگی یک امت در زمینه‌ها و ابعاد گوناگون باشد و من نیز این کتاب را با چنین انگیزه‌ای نوشته‌ام.

سپس نویسنده، ضمن یک مقدمه بلند و پژوهشی که از صفحه ۱۹ آغاز و به صفحه ۱۶۸ پایان یافته است، سیر و فلسفه حوادث را در تاریخ ۲۵۰ سال نخستین جهان اسلام بررسی کرده و نکته‌های آموزنده و جالبی به دست داده است. این مقدمه که جنبه تحلیل و تفسیر تاریخی دارد، آکنده از مطالب مفید است که سالشمارهای پیشین اسلامی فاقد آن هستند. بنابراین، بحث یاد شده از نوآوریهای نویسنده کتاب در زمینه «سالشمار نویسی اسلامی» است. خوانندگان این کتاب با مطالعه این مقدمه، زمینه ذهنی و آمادگی کافی برای بهره‌برداری از بخش اول، یعنی دو مجلد نخستین این کتاب را پیدا می‌کنند.

بعد از اتمام این مقدمه، متن اصلی کتاب که همان «سالشمار حوادث» است، آغاز می‌گردد. بدین گونه که سالشمار حوادث و اتفاقات جهان اسلام از سال اول هجری شروع شده و به سال ۲۵۰ هجری پایان یافته است. نویسنده، ضمن ترسیم یک جدول سه ستونه برای هر سال هجری، شناسنامه منظمی برای آنها درست کرده و برای بهره‌مندی بیشتر مراجعه‌کنندگان، برابری سالهای میلادی را نیز ثبت کرده است. از سه ستونی که برای ثبت حوادث و رخدادهای ترسیم شده، در ستون اول «حوادث عمومی»، و در ستون دوم «حوادث

نظامی»، و در ستون سوم «وفات شخصیت‌های» سیاسی، علمی، هنری، مذهبی، نظامی و ادبی و غیره ثبت شده است.

مؤلف در مرحله بعد، یعنی بعد از پایان جدول ثبت حوادث یک سال و پیش از شروع جدول حوادث سال بعد، زندگینامه مختصر کسانی را که در جدول وفیات سال قبل نامشان ذکر شده، با استفاده از منابع مختلف رجسی و تاریخی نگاشته است.

با چنین شیوه‌ای که نویسنده متتبع کتاب در پیش گرفته، دستاوردهای پژوهشی جامع، منظم و علمی را پدید آورده است که تصنیف او را از هر نوع نوشته دیگری در این موضوع که تاکنون بوده، متمایز می‌گرداند.

مؤلف، در بخش دوم کتاب که آن نیز دو مجلد می‌باشد، همین شیوه معمول در بخش اول را به کار برده است. در بخش دوم نیز نخست ضمن یک مقدمه بلند، سیر و فلسفه حوادث تاریخی جهان اسلام را از سال ۲۵۱ تا سال ۵۰۰ هجری تبیین کرده است و سپس سالشمار حوادث و شرح حال در گذشتگان هر سال را به گونه بخش اول ادامه داده است.

نویسنده در پایان هر بخش، فهرستهای فنی و موضوعی جالبی را با ذکر سالهای مربوط به هر موضوع جزئی درج کرده که بر فایده و ارزشمندی اصل کتاب، بسی افزوده است.

در مجموع، در مقام داوری درباره این کتاب که در چهار مجلد و نزدیک به سه هزار و پانصد صفحه به

قطع وزیری به چاپ رسیده است، باید گفت کتابی است تازه، ابتکاری و پرفایده که در موضوع خود تا حدودی خلأها را پر می‌کند. با این همه، با توجه به مذهب فقهی مؤلف آن، ضمن داشتن امتیازات زیاد، دارای کمبودها و نقاط ضعف تاریخی، علمی و فکری فراوانی نیز هست که امتیازات و کاستیهای آن را نیز جداگانه و به طور فشرده بررسی می‌کنیم.

ب - برجستگیها و امتیازات کتاب:

چنانکه اشاره شد، کتاب یاد شده دارای امتیازات فراوانی است که مجموع آنها احترام خوانندگان را نسبت به مؤلف برمی‌انگیزد. ما در صدد ذکر همه امتیازات این کتاب نیستیم، لیکن به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - نخستین امتیاز این کتاب در نوآوری آن است که از نظر اسلوب در نوع خود کاملاً جدید است. با اسلوبی آسان و قابل دسترسی، انبوهی از اطلاعات تاریخی، رجالی و اجتماعی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. ما این روش مؤلف را قبلاً توضیح داده‌ایم.

۲ - یکی دیگر از امتیازات این کتاب، دو مقدمه بلند و تحلیلی آن درباره رخدادهای تاریخی پانصدساله نخستین اسلام است. نویسنده در این دو مقدمه، دگرگونیهای سیاسی جهان اسلام و ظهور و سقوط دو دولت قدرتمند بنی امیه و بنی عباس را با دیدی تحلیلی، نقّادی و مو شکافی کرده و نتایجی را به دست داده است. در مثل، راجع به انحراف خلافت اسلامی نخستین از مسیر اصلی خود نیز بحثهای قابل توجهی دارد.

او انتقال حکومت مسلمین از خلفای راشدین به

بنی‌امیه را نوعی فاجعه تلقی کرده و از نظر سیاسی پیامدهایی را برای آن برمی‌شمارد. از جمله می‌گوید:

نتیجه این شد که نظام خلافت به نظام سلطنت موروثی تبدیل شود. مانند رژیم شاهان و قیصرها. بدین وسیله حکومت رنگ و جوهر دینی خود را از دست داد و امری عرفی گردید. لذا نظام اداری و مالی دولت مسلمین بر پایه نظام اداری دو رژیم پیشین شاهان ایران و بیزانس (روم شرقی) شکل گرفت.^(۱)

مؤلف با دقت در روایات تاریخی، ویژگیهای عصری هر یک از سلسله‌های حکومتگر را تبیین و تشریح کرده است. مثلاً با بر شمردن یازده عامل مؤثر، تمایزات عصر عباسی دوم را تبیین کرده و بدین وسیله معیارهایی عملی برای داوری خوانندگان به دست داده است.^(۲)

مؤلف کتاب در مقام بررسی علل تباهی و زوال خلافت اسلامی، پنج عامل عمده را برمی‌شمارد و از میان آنها «سست شدن انگیزه‌های دینی» را مهمترین عامل تباهی و سقوط نظام حکومتی مسلمین می‌داند.^(۳) عوامل دیگر نیز از این قرار است: ۱- رقابت و کشمکش بر سر تصدی منصب خلافت. ۲- به استبداد حکم راندن حاکمان. ۳- به همسری گرفتن زنان بیگانه و خارجی توسط مسئولین امور. ۴- به سربازی و خدمت نظام در آوردن موالی. (مسلمان غیر عرب مانند ترکها، چرکسها و غیره).^(۴)

۳ - سومین امتیاز مهم این کتاب، رعایت نسبی بیطرفی در مقام بررسی اندیشه‌ها، عقاید، نحله‌ها و

فرقه‌های مختلف اسلامی است. نمونه بارز آن، مطالب کتاب در جزء اول از مجلد نخستین، صفحه ۶۵ به بعد است که راجع به عقاید شیعه اثنی عشری، شیعه زیدی، اسماعیلی و همچنین درباره فرقه‌هایی مانند کیسانیه، غلات و غیره بحث کرده است. نویسنده علیرغم بسیاری از مغرضان که بناحق می‌کوشند تا «غلات» را فرقه‌ای از شیعه قلمداد کنند تا زمینه حمله تبلیغاتی علیه پیروان اهل بیت عصمت را پیدا کنند، قاطعانه می‌گوید غلات هیچ ربطی به شیعه ندارند. عین عبارت مؤلف در این باره چنین است:

«غلات فرقه‌هایی هستند که تظاهر به دوستی اهل بیت می‌کنند. نسبت دادن آنان به شیعه ظلم است. چرا که غلات چنین تصور می‌کنند که روح خدا در قالب ائمه تناسخ کرده است و بدین وسیله درباره آنان غلو می‌کنند.»^(۵)

همچنین مؤلف کتاب برغم داشتن مذهب تسنن، به این حقیقت تلخ تاریخی تصریح کرده است که فاطمه زهرا -س- دختر فرزانه رسول خدا -ص- در حالی از دنیا رفت که از خلیفه اول ناراضی و نسبت به او خشمگین بود.^(۶)

همچنین نویسنده به این نکته مهم تاریخی می‌پردازد که بنی‌امیه و در رأس آنان ابوسفیان، که اعتقادی به اسلام نداشتند، بعد از رحلت پیامبر اسلام -ص- به منظور ایجاد فتنه و چند دستگی در میان مسلمین، نزد علی -ع- آمد و به او گفت: دستت را به من بده تا با تو بیعت کنم، و اگر بخواهی با انبوهی از

سوارگان و پیادگان بر سر او [ابوبکر] هجوم ببرم. علی-ع- که از نیت او آگاه بود، فرمود: قصد تو خیر نیست؛ تو این سخن را به منظور فتنه‌انگیزی می‌گویی. (۷)

آنچه برشمردیم، برخی از مزایای کتاب محسوب می‌شود و مزایای دیگر آن نیز فراوان است که در این مجال کوتاه نمی‌توان به همه آنها پرداخت. با این همه، سبب أحداث التاریخ الاسلامی بترتیب السنین، لغزشها، کاستیها و نارواییهایی نیز دارد که برای تنبّه و توجه علاقه‌مندان به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

ج- کاستیها و نارواییهای کتاب:

۱- مؤلف، در جای جای کتاب، به طور مستقیم و غیر مستقیم روی جنبه «عربیّت» اسلام و پیامبر-ص- تأکید نموده است. تکرار عباراتی همچون «رسولی عربی»، «نبیّ عربی»، «امتّ عربی» و امثال آن، در موارد مختلف خوانندگان مسلمان غیر عرب را نسبت به مؤلف بدبین می‌کند که از اسلام نوعی برداشت نژادی دارد. شاید نویسنده، این نوع تعابیر را تحت تأثیر جو کشورهای عربی که آلوده به ناسیولیسم عربی است، به کار برده باشد.

۲- از نمونه‌های لغزش مؤلف در ارائه نادرست مطالب تاریخی، مطلبی است که او در مقدمه مجلد نخست کتابش درباره تعیین خلیفه برای بعد از پیامبر-ص- ذکر کرده است. او می‌نویسد:

«پیامبر - ص - در دوران زندگی خود جانشینی برای خود معرفی نکرد؛ همچنین شیوه انتخاب جانشین

برای خود را نیز بیان نکرد. فقط در قرآن یک قاعده کلی مبنی بر اینکه امور مسلمین باید بر مبنای شورا باشد، وارد شده که آیه ۲۸ سوره شوری است: وَ أَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ. (۹)

واضح است که این مطلب کاملاً خلاف واقع و حقیقت است. چون طبق روایات تاریخی متواتر و انکار ناپذیر، حضرت رسول-ص-، علی-ع- را برای جانشینی خود معرفی کرد که عمومیت‌ترین صورت آن در حجة الوداع و در سرزمین موسوم به غدیرخم انجام شد. در حالی که مؤلف محترم، خود در صفحه ۶۵ از کتابش و در همان مجلد، با نقل حدیث غدیر از راویان، از جمله «طبرانی»، می‌گوید که پیامبر-ص- در غدیرخم علی-ع- را به جانشینی خود معرفی کرده و آیه ۶۷ سوره مائده (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک) نیز در مورد معرفی علی-ع- برای خلافت نازل شده است. لذا شایسته این بود که مؤلف در صفحه ۴۷ کتابش نیز حق را به صورت واضح می‌نوشت.

۳- در قضیه مربوط به جانشینی عمر از ابوبکر، می‌نویسد:

«علی بن ابی طالب در حضور ابوبکر بلند شد و گفت: ما جز به خلافت راضی نیستیم! ابوبکر پاسخ داد: این عمر است؛ از او حرف بشنوید و فرمانبرداری کنید.» (۱۰)

هر چند که این مطلب را نویسنده به نقل از سیوطی در کتاب تاریخ الخلفاء نقل کرده، لیکن ضعیف‌ترین روایت تاریخی است و صحت ندارد. لذا می‌بایست مؤلف آن را



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سال ۱۲۱: قیام علویون به رهبری زیدبن علی بن زین العابدین-ع- (کوفه).

سال ۱۲۵: قیام آن به رهبری یحیی بن زیدبن زین العابدین-ع- (خراسان).

سال ۱۲۷: قیام آنان به رهبری عبدالله بن معاویه بن عبدالله طالبی (ری و اصفهان).

ج - دیگر انقلابگران ضد امویان:

سال ۶۳: شورش مردم مدینه منوره علیه یزیدبن معاویه (جنگ حرّه).

سال ۶۴: قیام عبدالله بن زبیر علیه یزیدبن معاویه.

سال ۶۴: قیام کسلیه بربری در آفریقا علیه عقبته بن نافع عامل امویان (وقعه تهوده).

سال ۶۵: قیام ضحاک بن قیس فهري علیه مروان حکم (وقعه مرج راهط).

سال ۶۵: قیام عبدالله بن زبیر علیه عبدالملک بن مروان.

سال ۷۳: قیام موسی بن خازم در ماوراء النهر.

سال ۷۶: قیام عبدالله بن جارود.

سال ۷۷: قیام مطرف بن مغیره.

سال ۸۱: قیام عبدالرحمن بن اشعث.

سال ۱۰۱: قیام یزیدبن مهلب (عراق).

سال ۱۱۱: شورش و انقلاب مردم ترکستان و سغد در ماوراءالنهر.

سال ۱۱۷: قیام حارث بن سریج (خراسان).

سال ۱۲۳: قیام مردمان بربر در اندلس.

سال ۱۲۶: قیام عربهای ساکن سواحل آفریقا و

بربرهای اباضی مذهب آن دیار.

سال ۱۲۷: شورش طایفه قیسیها در اندلس به رهبری سلمه جذانی.

سال ۱۲۸: شورش یمانیها به رهبری جدیع کرمانی (خراسان).

سال ۱۳۰: شورش ابوالخطار و یوسف بن عبدالرحمن قهری (اندلس).

شورشها و انقلابهای عصر بنی عباس

الف - خوارج:

سال ۱۲۳: شورش خوارج به رهبری اسماعیل بن زیاد نفوسی (آفریقا).

سال ۱۳۴: شورش خوارج به رهبری شیبان یشکری (یمن).

سال ۱۳۶: شورش خوارج به رهبری مسافر بن کثیر شیبانی (آذربایجان).

سال ۱۳۷: شورش خوارج به رهبری ملبد بن حرمله شیبانی (جزیره).

سال ۱۳۹: شورش خوارج موسوم به صناریه در ارمنستان.

سال ۱۴۰: شورش خوارج در یمن.

سال ۱۴۴: شورش خوارج اباضیه در آفریقا به رهبری ابوالخطار معافری و سپس یعقوب بن حبیب کندی.

سال ۱۶۰: شورش خوارج به رهبری ابراهیم برم

(خراسان).

- سال ۱۶۰: شورش آنان به رهبری عبدالسلام بن ابراهیم یشکری (مرو).
- محمدنفس زکیه علوی.
- سال ۱۶۸: شورش آنان به رهبری یاسین تمیمی (جزیره).
- سال ۱۶۹: شورش آنان به رهبری حمزه بن مالک خزاعی (موصل).
- بن علی بن حسن مثلث (وقعه فح).
- سال ۱۷۰: شورش خوارج اباضیه به رهبری نصیربن صالح اباضی نفزی در آفریقا.
- سال ۱۸۷: قیام شیعیان به رهبری میثم بن عبدالمجید همدانی (یمن).
- سال ۱۷۱: شورش آنان به رهبری صحیح شیبانی (جزیره).
- سال ۱۹۹: قیام علویون به رهبری محمدبن ابراهیم علوی به همراهی ابوالسرایا (منصور شیبانی) در جنوب عراق.
- سال ۱۷۵: شورش آنان به رهبری حصین ثعلبی (سجستان).
- سال ۲۰۰: قیام امام موسی کاظم - ع - (مکه).
- سال ۱۷۶: شورش آنان به رهبری فضل خارجی (موصل).
- سال ۲۰۰: قیام حسین بن حسن افطس علوی (حجاز).
- سال ۱۷۷: شورش آنان به رهبری عطاف بن سفیان ازدی (جزیره و موصل).
- سال ۲۰۷: قیام عبدالله حسن بن احمد علوی (یمن).
- سال ۲۵۰: قیام علویان به رهبری یحیی بن عمر بن یحیی طائبی (کوفه).
- سال ۱۷۸: شورش آنان به رهبری ولیدبن طریف (جزیره).
- سال ۲۵۰: قیام حسن بن زید بن محمد علوی (طبرستان).
- سال ۱۷۹: شورش آنان به رهبری حمزه بن اترک (سجستان).
- ج - دیگر انقلابگران ضد عباسیان:
- سال ۱۲۲: شورش ابوالورد و مجزاة بن کوثر کلابی (قنسرین = کرمانشاهان).
- سال ۱۸۰: شورش آنان به رهبری خراشه بن شیبان (موصل و جزیره).
- سال ۱۲۲: شورش عثمان بن عبدالاعلی بن سراقه ازدی (دمشق).
- سال ۲۴۵: شورش بربرهای خارجی مذهب بر امیر و حاکم آفریقا.
- سال ۱۲۲: شورش عباس محمد اموی.
- ب - علویون:
- سال ۱۳۲: شورش اسحاق بن مسلم عقیلی.
- سال ۱۴۵: قیام علویون در مدینه به رهبری
- سال ۱۳۲: شورش محمدبن سعید بن عبدالعزیز

- اموی (جزیره). سال ۱۳۳: شورش منصور بن جمهور (سند).
- سال ۱۳۲: شورش مردمان موصل بر ضد یحیی بن محمد عباسی.
- سال ۱۳۱: شورش ابو قره یفرنی (آفریقا).
- سال ۱۳۲: شورش مردم طبرستان علیه عامل بنی عباس در آن منطقه.
- سال ۱۵۴: شورش بربرهای اباضی مذهب به رهبری ابو حاتم اباضی در آفریقا.
- سال ۱۳۴: شورش ارمنیان در ارمنستان.
- سال ۱۵۵: شورش ارمنیهای صناریه.
- سال ۱۳۴: شورش و قیام بَسَام بن ابراهیم علیه حکومت عباسیان.
- سال ۱۶۲: شورش عبدالقهار خَرَمی (گرگان).
- سال ۱۳۵: قیام مردمان بربر در تلمسان.
- سال ۱۶۲: شورش هاشم بن کلیم (المقنع) در خراسان.
- سال ۱۳۷: شورش عثمان بن عبدالآلی بن سراقه ازدی علیه حکومت عباسیان (دمشق).
- سال ۱۶۴: شورش قبیله و رفجومه به رهبری ایوب هواری در آفریقا.
- سال ۱۳۷: شورش سنباد زردشتی. (خراسان).
- سال ۱۶۵: شورش دحیه بن مصعب اموی (مصر).
- سال ۱۳۷: شورش جمهور بن مراد علیه عباسیان.
- سال ۱۷۷: شورش دو قبیله قیس و قضاعه (مصر).
- سال ۱۴۰: شورش عبدالجبار بن عبدالرحمان ازدی بر عباسیان (خراسان).
- سال ۱۷۸: شورش نظامیان بر امیرتونس در آفریقا.
- سال ۱۸۰: شورش سرخ جامگان به رهبری عمرو بن محمد عمرکی.
- سال ۱۴۰: شورش اسپهبد طبرستان علیه حکومت عباسیان.
- سال ۱۸۰: شورش عیاض بن وهب هواری و کلیب بن جمیع کلبی بر امیر آفریقا.
- سال ۱۴۱: قیام راوندیه علیه عباسیان.
- سال ۱۸۲: شورشهای نظامیان به رهبری ابوالجهم تمام بن تمیم بر امیر آفریقا.
- سال ۱۴۲: شورش عیینیه بن موسی بن کعب (سند).
- سال ۱۸۳: شورش ابوالخصیب و هیب بن عبدالله نسائی (خراسان).
- سال ۱۴۳: شورش دیلم.
- سال ۱۸۹ - ۱۹۵: شورشها و انقلابهای مکرر در آفریقا علیه ابراهیم بن اغلب.
- سال ۱۴۷: شورش نظامیان علیه حاکم و امیر آفریقا.
- سال ۱۹۰: شورش رافع بن لیث علیه خلافت.
- سال ۱۵۰: قیام استادسیس علیه حکومت عباسیان.
- سال ۱۹۰: شورش مردمان حمص علیه خلافت.
- سال ۱۵۰: قیام حسن بن حرب کندی در آفریقا.

- سال ۱۹۲: شورش خرم دینان (آذربایجان).
 سال ۱۹۴: شورش مردمان حمص علیه امین خلیفه عباسی.
 سال ۱۹۵: شورش علی بن عبدالله اموی (سفیانی) علیه عباسیان (دمشق).
 سال ۱۹۸: شورش نصرین شبث در شمال حلب.
 سال ۲۰۰: شورش عبدالعزیز جروی (مصر).
 سال ۲۰۰: شورش سعیدبن خالد اموی.
 سال ۲۰۱: شورش بابک خرم دینی.
 سال ۲۰۱: شورش زط در جنوب عراق.
 سال ۲۰۷: شورشهای پیایی در تونس علیه حکومت اغلیبان.
 سال ۲۱۰: شورش مردمان قم علیه مأمون به خاطر سنگینی خراج و مالیاتها.
 سال ۲۱۱: شورش احمدبن محمد عمری (یمن).
 سال ۲۱۷: شورش علی بن هشام (آذربایجان).
 سال ۲۲۴: شورش مازیار بن قارون (طبرستان).
 سال ۲۲۳: شورش سالم بن غلبون بر امیر آفریقا.
 سال ۲۲۴: شورش محمدبن بعیث (آذربایجان).
 سال ۲۲۴: شورش عمرو بن سلیم تجیبی (قویح) علیه محمدبن اغلب امیر آفریقا.
 سال ۲۲۵: شورش اهل ذمه در شهر حمص.
 سال ۲۲۸: شورش اسحاق بن اسماعیل بن شعیب (ارمنستان).
 سال ۲۴۰: شورش مردم شهر حمص علیه فرماندار شهرشان.
 سال ۲۵۰: شورش مردم شهر حمص علیه فرماندار شهرشان.
 دیگر شورشها و انقلابها در عراق و جزیره:
 سال ۲۵۱: قیام حسین بن محمد علوی در کوفه.
 سال ۲۵۲: خروج مساور بن عبدالحمید بجلی خارجی در موصل.
 سال ۲۵۵: انقلاب صاحب زنج و شبیخونهای او که تا سال ۲۷۰ هجری ادامه داشت.
 سال ۲۵۶: قیام علی بن زید طالبی در کوفه.
 سال ۲۷۲: شورش هارون شاری از خوارج در موصل.
 سال ۲۷۸: انقلاب قرمطیان.
 سال ۲۹۲: شورش کردهای هذیانی در ناحیه موصل.
 سال ۳۰۳: شورش حسین بن حمدان علیه خلیفه، المقتدر عباسی.
 سال ۳۱۸: قیام صالح بن محمود بجلی و اغر بن مطره ثعلبی در دیار ربیعه.
 سال ۳۲۰: شورش مونس خادم (المظفر) علیه خلیفه، الرّاجی عباسی.
 سال ۳۲۷: شورش ابو عبدالله بریدی علیه خلیفه، الرّاضی.
 سال ۳۲۷: شورش ناصرالدوله حمدانی علیه خلیفه، الرّاضی.
 سال ۴۴۸: قیام أرسلان بسا سیری علیه خلفای

عبّاسی و دعوت مردم به بیعت خلفای فاطمی مصر
(شیعیان اسماعیلی).

سال ۲۸۸: شورش سفرج بن دغفل جراح دردمله
بر ضد خلافت فاطمیان.

سال ۲۸۷: شورش مردمان شهر صور بر ضد
فاطمیان.

سال ۴۰۲: قیام ابوالفتح حسن بن جعفر حسنی در
مکه.

دیگر شورشهای واقع شده در ایران علیه عبّاسیان.
سال ۲۵۱: قیام حسین بن احمد بن اسماعیل علوی
معروف به کوبی در قزوین و زنجان.
سال ۲۵۳: شورش عبدالعزیز ابن ابی دلف امیر ری
علیه خلافت بنی عباس.

دیگر شورشهای واقع شده در مصر:

سال ۲۵۳: قیام ابراهیم بن محمد بن یحیی طالبی.

سال ۲۵۳: خروج و شورش خوارج در سجستان.

سال ۲۵۶: قیام احمد بن ابراهیم طباطبا علوی.

سال ۲۶۵: شورش خجستانی در نیشابور.

سال ۲۶۷: شورش عباس بر پدرش ابن طولون.

سال ۲۶۵: شورش قاسم بن مماه در اصفهان.

سال ۲۷۳: قیام و نهضت بردگان و غلامان.

سال ۲۸۳: شورش عمر بن عبدالعزیز بن ابی دلف

سال ۲۹۲: شورش خلنجی.

در اصفهان.

سال ۳۵۸: شورش محمد بن خزر زنتی.

سال ۲۸۳: شورش رافع بن هرثمه در خراسان.

سال ۳۶۲: شورش عبدالعزیز بن ابراهیم کلابی.

سال ۳۰۴: شورش یوسف بن ابی السّاج در

سال ۳۶۲: شورش مردمان تنّیس بر خلفای

آذربایجان.

فاطمی.

سال ۳۱۵: شورش انصار بن شیرویه دیلمی در

سال ۴۶۷: شورش ترکها.

گرگان.

سال ۳۱۶: شورش و قیام مرداویج بن زیاد در ری

و اصفهان.

دیگر شورشها و انقلابهای آفریقا:

سال ۲۶۱: شورش اهالی برقه علیه احمد بن

سال ۳۴۵: شورش روزبهان دیلمی در اهواز.

طولون.

سال ۳۰۰: شورش احمد بن قهرّب علیه خلیفه

دیگر شورشهای شام، فلسطین و حجاز:

مهدی.

سال ۲۵۱: قیام اسماعیل بن یوسف طالبی در مکه.

سال ۳۰۲: شورش عروبة بن یوسف کتّامی علیه

مهدی.

- سال ۳۲۲: شورش ابویزید مخلدبن کیداد یفرنی بر عیبیدیان.
- سال ۳۷۳: شورش خزرون مغراوی علیه یوسف بن بلکین کارگزار عیبیدیان در آفریقا.
- سال ۳۷۷: شورش ابوالطفهم حسن بن نصر علیه یوسف بن بلکین.
- سال ۳۷۹: شورش ابوالبهاربن زیری صنهاجی.
- سال ۳۹۷: شورش ابورکوه (ولید اموی).
- سالهای ۴۱۶ و ۴۲۷: شورش دو قبیله زناته و کتامه علیه خلفای فاطمی.
- انقلابها و شورشهای اندلس در عصر حکومت امویان:
- سال ۱۴۳: قیام قاسم بن یوسف عبدالرحمان فهری و رزق بن نعمان غسانی علیه حکومت عبدالرحمان داخل.
- سال ۱۴۳: شورش یوسف بن عبدالرحمان فهری علیه حکومت عبدالرحمان داخل.
- سال ۱۴۴: شورش هشام بن عروه فهری علیه عبدالرحمان داخل.
- سال ۱۴۴ - ۱۴۶: شورشهای پیاپی علیه عبدالرحمان داخل.
- سال ۱۴۶: قیام سعید یحصبی یمانی علیه عبدالرحمان داخل.
- سال ۱۴۹: قیام ابوالصبح حی بن یحیی یحصبی علیه عبدالرحمان داخل.
- سال ۱۵۱: قیام بربرها در اندلس به رهبری شقیاء بن عبدالواحد مکناسی.
- سال ۱۵۶: شورش یمنیان در اشبیلیه به رهبری عبدالغافر یحصبی و حیاة بن ملامس حضرمی علیه عبدالرحمان داخل.
- سال ۱۵۷: قیام سلیمان بن یقظان در برشلونه.
- سال ۱۶۱: شورش عبدالرحمان بن حبیب فهری علیه عبدالرحمان داخل.
- سال ۱۶۶: شورش حسین بن یحیی انصاری علیه عبدالرحمان داخل.
- سال ۱۶۸: شورش محمدبن یوسف فهری علیه عبدالرحمان داخل.
- سال ۱۷۰: شورش بربرهای نفزه علیه عبدالرحمان داخل.
- سال ۱۷۲: شورش دو پسر عبدالرحمان داخل به نامهای سلیمان و عبدالله علیه برادرشان هشام.
- سال ۱۷۵: شورش مطروح بن سلیمان اعرابی.
- سال ۱۷۸: شورش مردمان بربر در تاکرنا.
- سال ۱۸۱: شورش مولدین به رهبری عبیده بن حمید (وقعه حفره).
- سال ۱۸۱: شورش بهلول بن مرزوق (سرقسطه).
- سال ۱۹۰: شورش اصبع بن عبدالله بن وانسوس.
- سال ۲۰۲: شورش اهالی ربض بر حکم بن هشام (قرطبه).
- سال ۲۱۲ - ۲۲۲: وقوع شورشها و انقلابهای پیاپی، مانند شورشهای طویل بربری، محمودبن

- عبدالجبار و هشام ضربآب. سال ۸۰: شورش ارمنیها به رهبری سنباد.
- سال ۲۲۸: شورش موسی بن موسی (تلیطله).
- سال ۲۲۷: شورش دسته ای از مردمان بومی اندلس به رهبری راهب ایلوخیو.
- سال ۱۰۴: شیخون خزرها به ارمنستان و غارت آنجا.
- سال ۱۰۷: شورش زارعین قبطی در مصر.
- سال ۲۲۹: شورش مولدین به رهبری عمر بن حفصون.
- سال ۱۲۲: شورش زارعین قبطی در مصر.
- سال ۱۳۴: شورش زارعین قبطی در مصر.
- سال ۱۴۱: شورش غلامان (بردگان) در بطائح.
- سال ۲۴۰: شورش مردم شهر تلیطله بر امیر خود محمد بن عبدالرحمان.
- سال ۱۴۷: شیخون خزرها بر اراضی اسلامی در ارمنستان و غارت آنجا.
- سال ۲۵۴: شورش عبدالرحمان بن مراد بن یونس معروف به جلیقی در این سال و در سال ۲۷۱.
- سال ۱۶۷: شیخون بادیه نشینان بر بصره، یمامه و بحرین به منظور غارت.
- سال ۲۶۴: شورش مولدین بنی موسی در سرقسطه.
- سال ۱۷۸: شیخون میزها (دزدان دریایی) بر شهر بصره.
- سال ۲۶۷ - ۳۱۵: شورشهای مستمر و پیاپی عمر بن حفصون و فرزندانش به نامهای سلیمان و خصص.
- سال ۱۸۳: شیخون خزرها بر ارمنستان و غارت آنجا.
- سال ۲۶۸: شورش محمد بن لبّ امیر در سرقسطه.
- سال ۲۷۴: شورش مردم شهر تلیطله.
- سال ۲۷۶: شورش بنی خلدون و بنی حجاج در اشبیلیه.
- سال ۲۱۶: شورش زارعین قبطی مصر به رهبری عبدوس فهری.
- سال ۲۱۹: شورش زطّ در جنوب عراق.
- سال ۲۷۶: ادامه شورشهای مولدین در اندلس.
- سال ۲۲۹: یورش و غارت اندلس توسط نورمان.
- سال ۲۴۵: یورش و غارت اندلس توسط نورمان.
- سال ۲۸۶: شورش زیری بن عذیه علیه منصور بن ابی عامر.

درگیریها و جنگهای قبیله ای جاهلی در بین برخی از مسلمانان:

- سال ۶۴: جنگ میان قیسیها و یمانیها (واقعه مرج راهط).
- سال ۱۰۶: جنگ میان قیسیها و یمانیها در

دیگر حرکتها و شورشهای صنفی و قومی در سرزمینهای اسلامی:

- سال ۷۱: شورش زنگیها (بردگان سیاه پوست) در بطائح به رهبری رباح شیرزاد.

خراسان.

در دنبال کردن هدفهای پژوهشی و علمی شان یاری
فراوان برساند.

سال ۱۲۷: جنگ میان قیسیها و یمانیها در اندلس.

سال ۱۳۰: جنگ یمانیها به رهبری یحیی بن حرث

باقیسیها به رهبری صمیل بن حاتم در اندلس.

سال ۱۷۵: جنگ بین قیسیها و یمانیها در شام.

سال ۱۹۰: جنگ بین قیسیها و یمانیها در شام،

ارمنستان و آذربایجان.

سال ۱۹۵: جنگ بین قیسیها و یمانیها در شام،

ارمنستان و آذربایجان.

سال ۱۹۸: جنگ بین قیسیها و یمانیها در موصل.

سال ۲۰۷: جنگ بین قیسیها و یمانیها در اندلس.

سال ۲۱۴: جنگ بین قیسیها و یمانیها در

اندلس. (۱۳)

پانوشتها

(۱). جزء اول، مجلد ۱، ص ۶۴.

(۲). ر.ک: جزء دوم، مجلد ۱، ص ۱۷ - ۴۰.

(۳). ر.ک: همان، مجلد ۱، ص ۷۵.

(۴). ر.ک: همان، ص ۶۳ - ۵۰.

(۵). جزء ۱، مجلد ۱، ص ۶۸.

(۶). ر.ک: همان، ص ۴۹.

(۷). ر.ک: همان، ص ۴۹ - ۵۰.

(۸). به عنوان نمونه رجوع شود به: جزء اول، مجلد اول،
ص ۲۵، ۲۴، ۴۵.

(۹). جزء اول، مجلد اول، ص ۴۷.

(۱۰). همان، ص ۵۰.

(۱۱). جزء اول، مجلد دوم، ص ۱۱۶۹، حوادث سال ۲۰۳
هجری.

(۱۲). اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۲۳، چاپ بیروت، دارالتعارف
للمطبوعات.

(۱۳). این مطالب از کتاب یاد شده، جزء دوم، مجلد دوم،
صفحات ۱۶۶۱ تا ۱۶۷۳ ترجمه شد. بعد از این نیز چند صفحه
راجع به شبیخونها و غارتهای عربهای بادیه نشین نسبت به
شهرهای آباد و نیز شبیخونهای مکرر قرمطیان مطالبی وجود
دارد که از ترجمه آن به خاطر اختصار خودداری شد.

آنچه تا اینجا نقل گردید، نشان دهنده جو سیاسی،
اجتماعی، اقتصادی و نظامی سرزمین پهناور مسلمین
در پانصد سال نخستین است. و چنین چیزی تاکنون در
هیچ کتابی به جز کتاب «احداث التاریخ الاسلامی
...» ارائه نشده است. از این جدول موضوعی نهضتها،
شورشها و انقلابها، در مطالعات مختلف تاریخی
بهره های فراوان می توان برد. و این نشان دهنده
اهمیت کتاب یاد شده می باشد. چنانکه دیگر جدولها و
فهرستهای آن نیز مانند جدول مربوط به نوسان
قیمتهای اجناس، زلزله ها، بیماریهای واگیردار، قحطیها
و غیره نیز هر کدام می تواند مورخان و پژوهشگران را